



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی زبان های خارجی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات عربی گرایش زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بررسی مؤلفه های بینامتنیتی در رساله‌ الحقوق امام سجاد(ع)

استاد راهنما:

دکتر عادل آزاددل

استاد مشاور :

دکتر جواد گرجامی

پژوهشگر:

منیره زمانی

تابستان ۱۳۹۶

نام خانوادگی دانشجو: زمانی	نام: منیره
عنوان پایان‌نامه: بررسی مؤلفه‌های بینامتنیتی در رساله‌ الحقوق امام سجاده(ع)	
استاد (اساتید) راهنما: دکتر عادل آزاددل	
استاد (اساتید) مشاور: دکتر جواد گرجامی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	
رشته: زبان و ادبیات عربی	گرایش: زبان و ادبیات عربی
دانشگاه: محقق اردبیلی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تاریخ دفاع: ۹۶/۶/۲۸	تعداد صفحات: ۹۰
چکیده:	
<p>بینامتنی یا بینامتنیت اصطلاحی است که ادبای عرب آن را برابر با واژه Intertextuality می‌دانند. بینامتنیت در دهه شصت قرن ۲۰ توسط پژوهشگر بلغاری، جولیا کریستوا و دیگر پیشگامان این جریان در غرب از جمله رولان بارت، ریفاتر، ژرار ژنت و دریدا متبلور شد و مفهوم بینامتنیت، به معنای واقعی خود، ارتباط بین متون گذشته و حاضر، یا ارتباط متون قدیم با متن جدید با کیفیت‌های مختلف است. کتاب رساله‌ الحقوق، منشور حقوقی است که به حقوق انسانها، پدرومادر وهمسایه و مسلمانان پرداخته است. و از آنجا که از متون قبل از خود همچون قرآن و نهج‌البلاغه تأثیر پذیرفته است، پژوهش درباره مؤلفه‌های بینامتنی در آن حائز اهمیت است. در این پایان‌نامه، موضوع مؤلفه‌های بینامتنی در رساله‌ الحقوق از دو منظر معنایی و زبانی بررسی گردیده است. از جمله نتایج به دست آمده، می‌توان به این نکات اشاره کرد: بیشترین منابع مورد استفاده و تأثیر گذار در رساله‌ الحقوق امام سجاده(ع)، قرآن کریم بوده است. روابط بینامتنی در حوزه معنایی، بیشتر از نوع روش نفی جزئی بوده و در حوزه زبانی بیشتر در زمینه لفظی بینامتنیت حاصل شده - است.</p>	
کلید واژه‌ها: امام سجاده(ع)، رساله‌ الحقوق، تناس (بینامتنیت)، زبانی، معنایی، روابط بینامتنی،	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات پژوهش	
۴-۱-۱	مقدمه
۵-۱-۲	بیان مسأله
۶-۱-۴	فرضیه (فرضیه های) پژوهش
۷-۱-۵	هدف (اهداف) پژوهش
۷-۱-۶	ضرورت و اهمیت پژوهش
۷-۱-۷	پیشینه ی پژوهش
۹-۱-۸	مواد (داده ها) پژوهش
فصل دوم: مبانی نظری پژوهش	
۱۱-۲-۱	مقدمه
۱۱-۲-۲	تعریف بینامتنیت
۱۲-۲-۳	نظریه بینامتنیت در غرب
۱۲-۲-۳-۱	صورت گرایان و بینامتنیت
۱۴-۲-۳-۲	سوسور و بینامتنیت
۱۶-۲-۳-۳	باختین و آفرینش رمان چند صدایی
۱۷-۲-۳-۴	کریستوا و بینامتنیت
۲۰-۲-۴	انواع بینامتنیت
۲۲-۲-۴-۱	بینامتنیت لفظی
۲۲-۲-۴-۲	بینامتنیت مضمونی
۲۳-۲-۴-۳	بینامتنیت بلاغی
۲۳-۲-۴-۴	بینامتنیت صرفی - نحوی

۲۴..... اما بینامتنیت موسیقایی ۵-۴-۲

۲۶..... شیوه های بینامتنیت ۵-۲

۲۶..... نفی جزئی ۱-۵-۲

۲۶..... نفی متوازی ۲-۵-۲

۲۶..... نفی کلی ۳-۵-۲

Error! Bookmark not defined. تاریخچه بینامتنیت در ادبیات عربی ۶-۲

Error! Bookmark not defined. عناوین مختلف بینامتنی ۷-۲

Error! Bookmark not defined. تضمین ۲-۷-۱

Error! Bookmark not defined. اقتباس ۲-۷-۲

Error! Bookmark not defined. تلمیح ۳-۷-۲

Error! Bookmark not defined. سرقت ادبی ۴-۷-۲

Error! Bookmark not defined. تفاوت بینامتنیت با اقتباس و تضمین و عناوین دیگر بلاغی ۸-۲

فصل سوم: بحث و بررسی

Error! Bookmark not defined. مقدمه ۱-۳


Error! Bookmark not defined. معرفی رساله الحقوق ۲-۳

Error! Bookmark not defined. تأثیر قرآن بر فرهنگ عصر نزول و دیگر فرهنگ ها ۳-۳

Error! Bookmark not defined. بررسی مؤلفه های بینامتنی در رساله الحقوق ۴-۳

Error! Bookmark not defined. نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined. منابع و مآخذ



فصل اول:
کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

توجه به حقوق انسانها، از گذشته تاکنون از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و در قرآن و نهج البلاغه و کتب روایی بسیار بدان توجه شده است. از جمله متونی که در آن به مسأله حقوق به صورت اختصاصی و ویژه پرداخته شده، کتاب رساله الحقوق امام سجاد (ع) است که در آن، به رعایت حقوق انسانها نسبت به یکدیگر و اندازه و میزان آن و حقوق متقابل میان مردم و حاکم و دیگر مسائل حقوقی پرداخته شده است. از آنجایی که بسیاری از بخش های آن مربوط به حقوق اجتماعی است، لذا نشان از توجه ویژه آن امام به امور اجتماعی و سیاسی و به اقتضای جامعه اسلامی است. هدف آن حضرت، تلاش برای نگه داری و بالا بردن سطح سلامت و بهداشت جامعه و هم چنین رشد و تقویت ارزش های اخلاقی جامعه است. کتاب رساله الحقوق از منبع اصیل اسلامی قرآن سپس نهج البلاغه و احادیث الهام گرفته است. بحث تأثیر پذیری متون از یکدیگر امروزه با عنوان بینامتنیت که توسط کریستوا وضع شد، شناخته می شود. با توجه به این مهم و تأثیر پذیری در این پایان نامه مؤلفه های بینامتنیت در رساله الحقوق بررسی می شود که شامل فصول زیر است:

فصل اول؛ کلیات پژوهش شامل (تعریف مسئله - سوالات پژوهش - فرضیات پژوهش - هدف و ضرورت پژوهش) است.

فصل دوم؛ شامل تعریفات است اعم از بررسی تعریف لغوی و اصطلاحی بینامتنیت در زبان عربی، در این بخش قصد داریم به بیان این موارد بپردازیم؛ نظریه بینامتنیت در غرب، انواع بینامتنیت، روشهای بینامتنیت، تاریخچه بینامتنیت در ادبیات عربی، تضمین، اقتباس، تلمیح، سرقت ادبی، در نهایت، تفاوت بینامتنیت باقتباس، تضمین و عناوین دیگر بلاغی

فصل سوم، این فصل موضوع اصلی پایان نامه، یعنی مؤلفه های بینامتنیتی در رساله الحقوق امام سجاد (ع)

را در بر می گیرد.

فصل چهارم؛ شامل نتیجه گیری و چکیده انگلیسی است.

هرچند در طول انجام تحقیق دچار مشکلاتی از جمله کمبود منابع مورد نیاز به ویژه در زمینه بینامتنیت بلاغی و موسیقایی شدم، ولی این مشکل از انگیزه بنده در انجام و اتمام پژوهش پیش رو نکاست.

۱-۲- بیان مسأله

رساله الحقوق یکی از آثار علمی و ادبی امام سجاد (ع) است که دارای روابط بینامتنی از قرآن کریم و نهج البلاغه می باشد. «بینامتنیت یک پدیده نقدی قدیم و ادبی جدید است که به مفهوم به کارگیری متون سایرین در خلال اثر ادبی است. طبق نظریه بینامتنیت هیچ اثر ادبی مستقل و بدون تأثیر از آثار دیگران نیست.» (رسولی، ۱۳۹۰: ۵)

«این اصطلاح زمانی به کار می رود که در خوانش یک متن به سایر متون و نوشته‌ها توجه شود و مشابهت‌ها و مغایرت‌های میان آنها کشف شود براساس این نظریه، هرمتنی برخواسته و شکل گرفته از متون پیشین است.» (همان: ۱۷)

«این اصطلاح، در ساده‌ترین حالتش به این معناست که از متون و افکار گذشته دیگران چه خود آگاه چه ناخودآگاه تضمین و اقتباس گردد، به گونه‌ای که این متون و اندیشه‌ها در متن اصلی ذوب شود و متنی جدید و کامل عرضه گردد.» (حبیبی، ۱۳۹۲: ۴) این بهره‌گیری از متون پیشین در متون آینده به سه صورت انجام می‌گیرد که به آن قوانین سه‌گانه بینامتنی گفته می‌شود: نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی.

رساله الحقوق از نوشته‌های مهم و با ارزش امام سجاد (ع) است که نامه‌ای است مشتمل بر پنجاه و یک حق و امام سجاد (ع) برای شاگرد خود به نام «ثابت بن دنیار ثمالی» مشهور به «ابو حمزه ثمالی» مرقوم فرموده‌اند که به «حدیث حقوق» یا «روایت حقوق» موسوم است، و بعدها نام «رساله الحقوق» بر آن نهاده‌اند. «(لطفی، ۱۳۸۷: ۱۴) از آنجا که کتاب رساله الحقوق از متون قبل از خود همچون قرآن و نهج-البلاغه تأثیر پذیرفته است، پژوهش درباره مؤلفه‌های بینامتنی در آن می‌تواند در درک صحیح حقوق طرح شده در آن کمک به سزائی نماید. لذا در این پایان‌نامه مؤلفه‌های بینامتنی از دو منظر مضمون و زبان بررسی می‌شود و انواع بینامتنیت و روش‌های آن در آن نشان داده می‌شود. در اینجا به چند نمونه بینامتنیت رساله الحقوق با قرآن کریم اشاره می‌شود:

متن حاضر: حق پروردگار؛ و أما حقُّ اللهِ الأكبرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهُمَا. متن غایب: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً» [آل عمران: ۶۴]

رابطه بینامتنی: میان متن رساله‌الحقوق و آیه قرآنی ارتباط بینامتنی برقرار شده است و امام زین العابدین بندگی خداوند و قائل نشدن شریکی بر او را به زیبایی از تعبیر قرآنی اقتباس نموده است. در اینجا این که خداوند بر توحید و دوری از شرک بر او امر کرده، امام سجاد نیز همان الفاظ و مفاهیم را در کلام خود استفاده فرموده و با متن پنهان ارتباط بینامتنی برقرار کرده است. بنابراین بینامتنی در این متون از نوع لفظی و معنایی و شیوه بینامتنی آنها از نوع نفی جزئی است.

متن حاضر: حَقُّ الْحَجِّ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ وَفَادَةٌ إِلَى رَبِّكَ وَ فِرَارٌ إِلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِكَ وَ بِهِ قَبُولُ تَوْبَتِكَ وَ قَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ.

متن غایب: «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ.» [آل عمران: ۹۷]

رابطه بینامتنی: در این ارتباط، عبارت «قَضَاءُ الْفَرَضِ الَّذِي أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ» با متن غایب تعامل برقرار نموده و نوع بینامتنی آنها، مضمونی است امام زین العابدین به طور صریح سخن از وجوب به جا آوردن حج کرده است که در آیه قرآنی نیز دقیقاً همین مفهوم اشاره شده و چون در متن حاضر مفهوم آیه بدون تغییر وارد شده، فقط در ظاهر تغییر ایجاد شده، بینامتنی در آن از نوع نفی جزئی است.

۱-۳-سؤال (سؤال‌های) پژوهش

۱- بینامتنیت در رساله‌الحقوق امام سجاد(ع) بالهام گیری از کدام یک از متون تحقق یافته است؟

۲- بینامتنیت در رساله‌الحقوق امام سجاد (ع) در چه سطوحی تجلی یافته است؟

۳- کدام یک از انواع و روش های بینامتنیت در شکل گیری بینامتنیت در رساله‌الحقوق بیشتر مؤثر بوده

است.

۱-۴-فرضیه پژوهش

۱- به نظر می رسد متن قرآن کریم و نهج البلاغه محور اصلی تحقق بینامتنیت در رساله‌الحقوق را شکل

می دهند

۲- به نظر می‌رسد بینامتنیت در رساله‌الحقوق هم در ساختار درونی و هم در ساختار بیرونی تحقق می‌یابد.

۳- به نظر می‌رسد انواع بینامتنیت همچون بینامتنیت معنایی، واژگانی، صرفی، نحوی، و بلاغی و از میان روش‌های سه‌گانه ی بینامتنیت، نفی جزئی (اجترار)، در شکل‌گیری بینامتنیت رساله‌الحقوق دخالت داشته‌است.

۱-۵-هدف پژوهش

باعنایت به موضوع بینامتنیت که تأثیرپذیری متون از یکدیگر را بررسی می‌کند، این پژوهش سعی دارد عوامل و مؤلفه‌های بینامتنی اعم از محتوایی و زبانی را در رساله‌الحقوق امام سجاد بررسی نماید.

۱-۶- ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه موضوع کتاب رساله‌الحقوق امام سجاد (ع) حقوقی-تربیتی-اخلاقی-اجتماعی و اعتقادی است و مسائل حقوقی و اعتقادی و غیره موجود در قرآن، نهج‌البلاغه و روایات و غیره در تدوین آن تأثیر داشته‌است، بررسی و کشف مؤلفه بینامتنی موجود در این کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱-۷-پیشینه‌ی پژوهش

توجه به اهمیت موضوع بینامتنیت، تاکنون پژوهش‌هایی پیرامون آن صورت گرفته‌است که به صورت مقاله و پایان‌نامه نگارش یافته‌است. در اینجا به چند نمونه از پژوهش‌های انجام یافته در این حوزه، اشاره می‌شود:

۱- روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر نوشته فرامرز میرزایی، که در آن تأثیر شاعر از قرآن در مباحثی چون بینامتنیت لفظی، مضمون، فکری، موسیقایی، عنوان، اسم علم، بررسی شده‌است. ۲- بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج‌البلاغه نوشته سید مهدی مسبوق، که در آن به شرح روابط بینامتنی و نظریه بینامتنی در نهج‌البلاغه پرداخته‌است. ۳- روابط بینامتنی نهج‌البلاغه با آثار امین الریحانی نوشته ابو الحسن مقدسی و حسن

خلف و سعداله همایونی در سال ۱۳۹۰، در این مقاله تأثیر پذیری ریحانی از نهج البلاغه در نوشته های او به چشم می خورد که نمونه های این تأثیر پذیری در این مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ۴ - بینامتنی اشعار عبد الوهاب بیاتی با قرآن کریم نوشته طیبه سیفی در سال ۹۰ که در این مقاله، بررسی ریشه تاریخی پدیده بینامتنیت نزد ناقدان غربی و عربی، تبیین و تشریح بینامتنی قرآن در اشعار بیاتی گواه این است او گاه مضمون و مفهوم آیه یا آیاتی از قرآن کریم را منبع الهام خویش قرار می دهد. ۵ - بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی الدین حلی و قرآن کریم، نوشته علی اصغر حبیبی، که در این مقاله انواع روابط بینامتنی قرآن در شعر حلی نقد و واکاوی شده است که در نتیجه آن روابط بینامتنی قرآن در مدایح نبوی و مراثی شاعر از بسامد بیشتری برخوردار است. ۶ - بینامتنی قرآنی در شعر مقاومت ابراهیم طوقان نوشته فریده اخوان و محمد حسن معصومی در سال ۹۳ که در این مقاله، با روش تحلیلی - توصیفی گونه های مختلف بینامتنی قرآنی و بسامد آن در بافت شعری طوقان بررسی شده است. ۷ - مقاله بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجادیه در سال ۱۳۹۰ نوشته عباس اقبالی و فاطمه حسن خانی که به تأثیر پذیری صحیفه سجادیه از قرآن براساس انواع بینامتنیت از جمله بینامتنیت امتصاص و اجترار و بینامتنیت مضمون پرداخته اند. ۸ - مقاله روابط بینامتنی قرآن با صحیفه سجادیه (مورد کاوی دعای اول و دوم) سال ۱۳۹۳ نوشته کرم سیاوشی و سمیه سلمانیان در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین گونه های مختلف بینامتنی قرآن در دعای اول و دوم صحیفه و تکنیک های متنوع بینامتنی در صحیفه سجادیه می پردازد. از جمله پایان نامه های نگارش یافته در این موضوع می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- بینامتنیت قرآنی در شعر شاعران معاصر عرب با تکیه بر شعر (امل دنقل، محمود درویش، محمد مهدی جواهری) دانشگاه کاشان در سال ۱۳۹۰ نوشته فاطمه حسن خانی ۲- جلوه ی بینامتنیت دینی در اشعار احمد شوقی دانشگاه مازندران در سال ۱۳۸۹ نوشته مهدی مهدر ۳- جلوه هایی از بینامتنیت یا بینامتنی دینی و قرآنی در شعر نزار قبانی دانشگاه تربیت معلم سبزوار در سال ۱۳۸۹ نوشته محمود موحدی زاده ۴- تحلیل روابط بینامتنی قرآنی در شعر محمد مهدی جواهری دانشگاه لرستان در سال ۱۳۹۰ نوشته جنت نصری ۵- بینامتنیت قرآنی در دیوان محمود سامی بارودی دانشگاه مازندران در سال ۱۳۹۰ نوشته الهام رسولی ۶- بینامتنی قرآنی و روایی در اشعار ۳ تن از شاعران شیعی (کمیت بن زید اسدی، عبدی کوفی، دیک الجن الحمصی) دانشگاه اراک نوشته محمد سفاری ۷- بینامتنی دینی در دیوان ابو اسحاق البیری دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۲ نوشته پروین همتی. ۸

-انسجام متنی و رابطه بینامتنی در قرآن و نامه امام علی (ع) به مالک اشتر دانشگاه یاسوج در سال ۱۳۹۳ نوشته محمود درخشنده ۹ -بینامتنی قرآنی در اشعار احمد مطر دانشگاه بو علی سینا در سال ۱۳۸۵ نوشته ماشاءاله واحدی ۱۰ -بینامتنی مقامات ناصیف یازجی با قرآن کریم دانشگاه بو علی سینا در سال ۱۳۹۷ نوشته فاطمه محقق ۱۱ -بینامتنی قرآنی در اشعار بوصیری و صرصری دانشگاه اراک در سال ۱۳۹۰ نوشته مجید مهدوی ۱۲ -بینامتنیت دینی و تاریخی در صحیفه سجادیه دانشگاه الزهراء در سال ۱۳۹۲ نوشته زهرا فارسی. اما طبق بررسی های به عمل آمده ، تاکنون پژوهشی پیرامون بینامتنیتی در رساله الحقوق امام سجاد (ع) انجام نشده است .

۱-۸- مواد (داده ها) پژوهش

روش پژوهش، از نوع تحلیلی، توصیفی است. بدین صورت که ابتدا با مطالعه کتب و مقالات موجود درباره بینامتنیت داده های لازم در حوزه مبانی نظری پژوهش فیش برداری می شود سپس بر اساس آن و با مطالعه کتاب رساله الحقوق به بررسی انواع بینامتنیت و مولفه های بینامتنیتی در آن پرداخته می شود.



فصل دوم:

مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مقدمه

«شالوده و اساس هر متنی را زبان تشکیل می دهد، متون مختلف و تجربیات بشر از طریق زبان منتقل می شود، متن از علائم زبانی فراهم آمده است که با قواعد خاصی ترکیب شده اند بر طبق فهم متعارف، متن چیزی ثابت و متحرک به نام معنا را با خود به یدک می کشد و مفسر با گشودن در جهان متن می تواند، این معنا را بخواند با مطالعه متون مختلف، و دقت و تأمل در آنها، به این مسئله پی می بریم که متون و آثار به جای مانده از نویسندگان و شعراء همواره در ارتباط با یکدیگر هستند، و از تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بر یکدیگر بی نیاز نیستند. این امر امروزه سخت مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است، تا جایی که می توان گفت زایش هیچ متنی مستقل و بی نیاز از متون دیگر نیست هر متنی دارای لایه های متعددی است که ناگزیر از گفتگو با متون دیگر است متون در کنش واکنش با یکدیگرند و همین عامل باعث پویایی آن ها می شود.» (قائمی، ۱۳۹۰: ۵۳) این تأثیر و تأثر متون از یکدیگر، بینامتنیت نام دارد.

۲-۲- تعریف بینامتنیت

واژه بینامتنیت از یک اسم (text) و یک پیشوند (inter) و یک پسوند اسم ساز (ualite) ترکیب شده است. «(نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

مفهوم بینامتنیت از مفاهیمی است که مشکل می توان آن را تعریف کرد. گستره وسیع آن موجب ایجاد تعاریف مختلف و گوناگونی از آن شده است. «بینامتنیت، به وجود آمدن متن جدید از متون گذشته یا معاصر آن متن است به گونه ای که متن تازه، خلاصه ای از متن های گوناگونی است که مرز های آن از بین رفته و سبک و سیاق تازه ای پیدا کرده است به طوری که چیزی جزء ماده از متن های گذشته باقی نمانده، و متن اصلی پنهان است و جز آگاهان آن را در نمی یابند. بینامتنیت، ارتباط بین متون گذشته و حاضر است یا ارتباط متون با متن جدید با کیفیت های مختلف.» (عزام، ۲۰۰۱: ۲۹)

«کریستوا پیشوای این اصطلاح درباره بینامتنیت بر این معتقد است که " بینامتنیت انتقال تعبیرات و اصطلاحات سابق و پیشین یا هم زمان و ترکیبی است که با تنظیم متنی با تعبیرات در بردارنده آن یا

آنچه که در آن ترکیب قرار می‌گیرد، جمع می‌شود "کریستوا می‌افزاید که هر متنی ترکیبی از اقتباس‌ها و استشهدات است و شکل تغییر یافته متون دیگر است" (الزعبی، ۲۰۰۰: ۱۱)

«اصطلاح بینامتنیت، تعاریف گوناگونی یافته که عموماً به اصطلاحاتی چون «تخیل»، «تاریخ» یا «پسامدرنیسم» منتسب می‌شود. به تعبیر منتقد آمریکایی هارولد بلوم^۱، معنایی کم‌تر از حد و نمودی بیش از حد یافته‌اند. بینامتنیت به عنوان یکی از ایده‌های محوری موجود در نظریه ادبی معاصر، اصطلاح شفافی نیست. بنابراین، به رغم بهره‌گیری مطمئنانه بسیاری از نظریه پردازان و منتقدان از آن، نمی‌تواند به شیوه‌ی درستی مطرح شود. چنین اصطلاحی در معرض این خطر قرار دارد که معنایش بیش از آنی نباشد که هر منتقد خاصی می‌خواهد از آن مراد کند. بینامتنیت، تداخل متن‌های ادبی قدیم یا جدید، شعر یا نثر با متن اصلی است تا جایی که متن جدید، انسجام و نظم خود را از دست ندهد و تا حدی بر فکری که شاعر طرح کرده است دلالت کند.» (فیروزجائیان گلوگاه، ۱۳۹۱: ۱۲)

۲-۳- نظریه بینامتنیت در غرب

نظریه بینامتنیت، یکی از نظریاتی است که بعد از نوگرایی پدید آمد. «این نظریه در دامن نشانه‌شناسی و ساختارگرایی به وجود آمد گام‌های اولیه آن توسط صورت‌گرایان برداشته شد. همان‌طور که در نوشته‌های شکلوفسکی و بعد باختین آمده سپس کریستوا آن را گرفت اولین بار آن را در نوشته‌هایش به کار بست.» (جمعه، ۲۰۰۳: ۱۳۵) طبق آنچه ذکر شد، در ادامه به ترتیب عناوین صورت‌گرایان و بینامتنیت و بعد سوسور و بینامتنیت توضیح داده می‌شود و پس از آن به مطالبی از باختین و آفرینش رمان چندآوایی پرداخته می‌شود و در نهایت با عنوان کریستوا و بینامتنیت این بحث را به پایان می‌رسانیم.

۲-۳-۱- صورت‌گرایان و بینامتنیت

در ابتدا به ذکر علت نامگذاری این مکتب پرداخته می‌شود. «صورت‌گرایی از بطن نمادگرایی پدید آمده بود و به مخالفت با آراء نمادگرایانی برخاسته بود که به جنبه‌های زیبایی‌شناختی متون ادبی می‌پرداختند و از احساس خود برای تعیین «خوب» و «بد» استفاده می‌کردند و همین‌ها بودند که این دسته از متخصصان و

1. Harold Bloom

پیروان پژوهش های ادبی را صورتگرا می نامیدند تا به طعنه نشان دهند که آنها درکی از محتوا ندارند و تنها به ظواهر می پرداختند.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۳)

«فرمالیست ها در آغاز آثار ادبی را به صورتی «در خود» و فارغ از ملاحظات برون متنی بررسی می کردند، اما با توجه به مفهوم تطور ادبی بر آن شدند تا چرخشی در دیدگاه های خود ایجاد کنند. این چرخش برخاسته از درک و استنباط جدید فرمالیست ها از مفهوم و فرم بوده است آنان به این نتیجه رسیدند که اثر ادبی را نمی توان در انزوا و جداگانه بررسی کرد، بلکه خود را ملزم کردند که فرم اثر ادبی را در تقابل با پیش زمینه دیگر آثار بررسی کنند.» (قاسمی پور، ۱۳۹۱: ۳۳)

«ویکتور شک洛夫سکی، همراه با رومن یاکوبسن سرشناس ترین سخنگوی جنبش فرمالیست محسوب می شود.» (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۰)

«روابط بینامتنی را ظاهراً نخستین بار، ویکتور شک洛夫سکی مطرح کرد و به هر حال اولین بار در مباحث فرمالیست های روسی مطرح شد.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۵۸)

«شک洛夫سکی با توجه به بحث های باختین در مورد «منطق مکالمه» اصطلاح روابط بینامتنی (intertextuality-relationship) را مطرح کرد به این معنی که متونی که موضوع مشترک دارند، در همه ادوار تاریخ به هم مربوطند و بین آنها مکالمه است، او در مقاله جاودان «هنر یعنی فن و صنعت» می گوید: هر قدر آشنایی ما با ادبیات گذشته بیشتر باشد، این نکته بر ما روشن می شود که تقریباً هیچ موضوعی نیست که بدیع و بی سابقه باشد.» (همان: ۱۵۳)

«بحث مناسبات میان متون با مقاله ای از شک洛夫سکی با عنوان «هنر به مثابه تمهید» آغاز شد او در این مقاله نشان داد که تصاویری که شاعر به کار برده تقریباً بی هیچ دگرگونی از اشعار دیگری وام گرفته است.» (واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۳) «به نظر شک洛夫سکی، اثر ادبی برآمده از پیش زمینه ی دیگر آثار ادبی است و از طریق آن هاست که شکل می گیرد.» (قاسمی پور، ۱۳۹۱: ۳۴)

«برخی محققان بینامتنیت همچون ناتالی پیگی گرو و سوفی رابو بر تأثیر فرمالیست های روسی بر بینامتنیت تأکید کرده و صفحاتی از آثار خود را به این موضوع اختصاص داده اند. یکی از مهمترین دستاوردهای فرمالیست های روسی در زمینه بینامتنیت، استقلال متنی است. تحقیقات فرمالیست های روسی

با پژوهش‌های مکتب پراپ و ولادیمیر پراپ کامل تر شد. پراپ با تحقیقات مشهور و ارزشمند خود زمینه‌ها را برای ساختارگرایی فرانسه مهیا کرد. «(نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۴۳)

۲-۳-۲ سوسور و بینامتنیت

«بینامتنیت، همانند نظریه‌های ادبی و فرهنگی مدرن در زبان‌شناسی قرن ۲۰ و بویژه در کار دوران ساز زبان‌شناسی به نام فردینان دو سوسور ۱ ریشه دارد.» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۳)

«از نظر او، اثر ادبی دیگر حاصل افکار اصیل یک مؤلف نبوده، دیگر کارکردی ارجاعی نداشته، بلکه به عنوان فضایی در نظر گرفته می‌شود که در آن، شمار بالقوه بی‌نهایتی از مناسبات و روابط در هم تنیده می‌شوند.» (همان: ۲۶)

«او در دوره زبان‌شناسی عمومی، که در سال ۱۹۱۵ انتشار یافت، بار دیگر به این پرسش بنیادین پرداخت که نشانه زبان شناختی چیست؟ او، با تقسیم نشانه به اجزایش، تعریفی ارائه کرد که بنا به آن می‌توان نشانه را همچون سکه دو رویی فرض کرد که یک روی آن مدلول (مفهوم) و روی دیگرش دال (صوت-تصویر) است.» (همان: ۲۱)

«نشانه زبانی نه یک شیء را به یک نام، بلکه یک مفهوم را به یک تصویر صوتی پیوند می‌دهد. تصویر صوتی، آوایی مادی نیست که جنبه فیزیکی داشته باشد، بلکه اثر ذهنی این آواست و حواس ما نمایشی از آن را ارائه می‌دهد و اگر بر آن شدید که آن را مادی بنامیم، تنها به همین معنی و برای در تقابل قرار دادن آن با مفهوم، است که معمولاً مجردتر می‌نماید.» (سوسور، ۱۳۹۲: ۹۶)

«از دیدگاه او، نشانه زبانی ترکیبی از دال و مدلول است.» (رضایی دشت ارژنه، ۱۳۸۸: ۳۴)

سوسور، ترکیب مفهوم و تصویر صوتی را نشانه می‌نامد «او در یک رابطه دلالتی تأکید بر استفاده از اصطلاحات «دلالت»، «دال» و «مدلول» بجای «نشانه»، «صورت» و «معنی» می‌کند.» (سوسور، ۱۳۹۲: ۹۸)

نشانه‌های زبانی از نگاه او دارای دو ویژگی می‌باشند: ۱- اختیاری بودن نشانه‌ها ۲- اصل تغییر ناپذیری. در توضیح ویژگی اول، می‌توان به این نکته پرداخت که «پیوند میان صورت و معنی اختیاری است و از آنجا که منظور از نشانه، نتیجه کلی رابطه میان صورت و معنی است، می‌توان به شکل ساده‌تر گفت نشانه‌های زبانی اختیاری است.» (همان: ۹۸) وی با ذکر نمونه به توضیح آن پرداخته و می‌گوید:

"مفهوم sister با توالی آواهای s-o-r که دال آن در زبان فرانسه به شمار می رود، هیچگونه رابطه درونی ندارد." «(هلدکرافت، ۱۳۹۱: ۱۰۳) او بر اختیاری بودن رابطه دال و مدلول تأکید کرده و می گوید: «منظورم از این اصطلاح اختیاری بودن این است که آن به معنی عدم پیوند طبیعی میان دال و مدلول است.» (همان: ۱۰۵)

۲- اصل تغییر ناپذیری: «تغییر زبان همواره همان تغییر رابطه میان دال و مدلول است. اما چرا سوسور مجبور است بگوید نشانه ها نمی توانند تغییر کنند؟ در پاسخ به این سوال می توان گفت که اگر اصل اختیاری بودن نشانه را در نظر بگیریم، اصلاً بدیهی نیست که هر تغییر در دال منجر به پدید آمدن رابطه ای جدید میان آن دال با مدلولش خواهد شد. «(هلدکرافت، ۱۳۹۱: ۱۲۱) درک این نکته که «زبان حقیقتی اجتماعی است، وابستگی زبان را به جامعه زبانی نشان می دهد.» (همان: ۱۲۴)

موضوع دیگری که می تواند زبان شناسی سوسوری را با بینامتنیت مرتبط کند، روش دوگانه تحقیق در زمانی و هم زمانی است که از دوگانه های مهم سوسوری به شمار می آید. طرح نظامند او برای مطالعات در زمانی سبب شد تا رابطه عناصر متنی با عناصر گذشته مورد بررسی قرار گیرد. « (نامورمطلق، ۱۳۹۰: ۴۱)

«سوسور در دوره زبان شناسی عمومی علم جدیدی را متصور می شود که به بررسی «حیات نشانه ها در جامعه» می پردازد. او این علم را «سیمولوژی (نشانه شناسی) امی نامد. نشانه شناسی یا «چرخش زبان شناختی»، شاخه های مختلفی را در علوم انسانی وارد کرد می توان آن را یکی از خاستگاه های نظریه بینامتنیت دانست. « (آلن، ۲۴: ۱۳۸۰-۲۲) «ارتباط نشانه شناسی سوسور با بینامتنیت از آنجا پررنگ تر می شود که ادبیات و آثار ادبی نیز شامل نظامی از دال و مدلول هاست و فهم بهتر هر نشانه، در گرو مقایسه آن با دیگر نشانه هاست. «(رضایی دشت ارژنه، ۱۳۸۸: ۳۵)

«پس از سوسور، نشانه زبان شناختی دیگر یک واحد نامتحد، غیر ثابت، و رابطه بنیاد بوده، فهم این نکته ما را به شبکه گسترده ای از روابط، تشابهی و تفارقی رهنمون می سازد که نظام همزمانی زبان را شکل می دهند. اگرچه این نکته درباره کل زبان است، ولی بی شک در مورد نشانه های ادبی نیز صدق می کند. کار مؤلفان آثار ادبی صرفاً گزینش واژه ها از میان یک نظام زبانی نبوده، آنان پی رنگ ها، وجوه ژانری،

جنبه های شخصیتی، تصویر پردازی ها، شیوه های روایت گری، و حتی عبارات و جملاتی را هم از میان متون ادبی پیشین و از سنت ادبی برمی گزینند. «آلن، ۱۳۸۰: ۲۵)

۳-۲-۳- باختین و آفرینش رمان چند صدایی

«گفتگومندی (دیالوژیسم) ۱ و چند صدایی (پولیفونی) ۲ از مهمترین نظریه های باختین به شمار می آیند. میان گفتگومندی و چند صدایی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. چنان که چند صدایی ویژگی گفتگومندی محسوب می شود. ساموئل بارکلی بکت ۳ در این خصوص می نویسد: «این چند صدایی که در آن همه صداها به شیوه ای مساوی بازتابانده می شوند، موجب گفتگومندی می گردد. « چند صدایی به معنای توزیع مساوی صداها در یک متن است، به گونه ای که تمام صداها حق حضور داشته باشند و یکی بر دیگران مسلط نباشند. « (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۴)

«در بحث از باختین چند اصطلاح از جمله منطق گفتگویی، یک آوایی، چند آوایی و ... مطرح می شود مراد از منطق گفتگویی، خاصیت بینامتنی است لذا هر متنی با متن دیگر گفتگو دارد همین طور هر متن با متون آینده هم که موضوع آنها مشترک باشد، گفتگو دارد لذا تقریباً هیچ متنی نیست که یک آوایی باشد و همواره در آن صداها (چند آوایی polyphonique) دیگر هم هست. « (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

« باختین بر این باور است که رمان در میان انواع نثر از بالاترین سطح گفتگومندی و چند صدایی برخوردار است. « (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۸۸) « آنچه باختین «رمان چند آوایی» می خواند، در گام نخست رمان های داستایفسکی هستند و بعد آثار رابله و سویفت. کریستوا معتقد است که اکنون می توانیم آثار جیمز جویس، مارسل پروست و فرانتس کافکا را نیز به آنها بیفزاییم. سارتر بی آنکه از «رمان چند آوایی» یاد کند، رمان و مکالمه را به یک معنا گرفته است و همچون باختین از این اصل دفاع کرده است که «نویسنده خدا نیست، خود در جنگ شرکت می کند. « (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

« به نظر باختین، نوعی از آثار ادبی وجود دارد که با صداها و ایدئولوژی متعدد داخل آن متمایز

می شود که در مقابل کارهایی است که با تک صدایی ایدئولوژی مهر می زند. « (مبحوح، ۲۰۱۰: ۱۳)

-
- 1.dialogism
 - 2.polifonium
 - 3.samuel Barclay Backett

«مبنای هر سخن ارتباط با سخنی دیگر است، گزاره‌ای نمی‌توان یافت که مناسبتی با گزاره‌ای دیگر نداشته باشد، مناسبت گزاره‌ها در حد زبان است و مناسبت سخن‌ها، در حد «فرا زبان» از این رو، باختین «مناسبت سخن» را همچون «منطق مکالمه» گونه‌ی خاصی از معناشناسی دانست، جولیا کریستوا، هم تأکید کرده که «بینامتنی» به سخن مربوط می‌شود و نه به زبان و شناخت آن با «فرا زبان شناسی» امکان دارد.» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

«اگرچه باختین و آثار وی آغازگر و طلایعه مطالعات جدی چند صدایی تلقی می‌گردند، اما موضوع چندصدایی پس از باختین تداوم یافت و محققان از زوایای گوناگونی به گسترش این موضوع پرداختند. این مطالعات از تبیین و تشریح چندصدایی باختین گذر کردند و به بسط و گسترش این موضوع در بخش‌های گوناگون نظام کلامی و تصویری در هنر و ادبیات و دیگر شاخه‌ها پرداختند. مطالعات بیناشاخه‌ای و تراشاخه‌ای در موضوع چندصدایی به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم توسعه پیدا کرد و علوم اجتماعی و سیاسی از آن بهره‌های بسیاری بردند. روان‌شناسی و انسان‌شناسی و پس از آن، مطالعات فرهنگی نیز هر یک به نوعی از مبحث چندصدایی بهره‌مند شدند، زیرا موضوع چندصدایی در کانون مباحث مربوط به خود و دیگری قرار گرفت.» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۰)

۲-۳-۴ - کریستوا و بینامتنیت

«جولیا کریستوا، از مهمترین شخصیت‌های نقد ادبی قرن بیستم است که به واسطه آثار و موضوعاتی چند به ویژه بینامتنیت، شهرتی جهانی یافته است.» (نامور مطلق، ۱۳۴۱: ۱۳)

«کریستوا بینامتنیت را نخستین بار در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «کلمه، مکالمه، رمان» استفاده کرد که در آن به تشریح آراء باختین پرداخته است این مقاله در سال ۱۹۶۹ در کتاب معناکاوی، که مجموعه مقالات کریستوا را در برمی‌گیرد، نیز منتشر شد. علاوه بر آن این واژه در سال ۱۹۶۷ در مقاله دیگری با عنوان «متن بسته» به کار گرفته شد که این مقاله نیز در همان کتاب یعنی معناکاوی چاپ شد.» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۲۷)

غیر از کتاب معناکاوی، که از مهمترین و نخستین آثار او به شمار می‌رود، کتاب انقلاب در زبان شاعرانه نیز یکی دیگر از آثار مهم او به شمار می‌رود.

« او در کتاب انقلاب در زبان شاعرانه از بینامتنیت به عنوان عملکرد سومی در فرآیند نشانه ای نام می برد از این رو بینامتنیت، همان گذر از یک نظام نشانه به نظام نشانه ای دیگر است که متضمن تغییری در موضع نهاده‌ای- تخریب موضع قدیمی و شکل دهی یک موضع جدید خواهد بود. کریستوا با اجتناب از فروکاستن بینامتنیت به تصورات سنتی از تأثیر پذیری، یا مطالعه منشأها و بررسی زمینه های آشکار الهام گیری، اکنون - اصطلاح بینامتنیت را به نفع اصطلاح جدید جایگشت کنار می گذارد. با این حال به نظر می رسد اتخاذ یکی از دو اصطلاح «بینامتنیت» یا «جایگشت» اهمیت کمتری در مقایسه با این درک دارد که متون نه تنها از آحاد متنی پیشین بهره گرفته بلکه آنها را دگرگون کرده و به تعبیر کریستوا، موضع نهاده ای تازه‌ای به آنها می بخشند. « (آلن، ۱۳۸۰: ۸۲)

«به اعتقاد اکثر ناقدان، جولیا کریستوا بینامتنیت را برای اولین بار تحت تأثیر برخی ناقدان و تلفیق نظریات آنها، در مطالعات خود مطرح کرده است. « (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۴) «حتی برخی همچون سوفی رابوا بینامتنیت را ترجمه مفهوم گفتگومندی باختین می پندارند. « (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۳۰) « او در این مورد می نویسد: «مفهوم بینامتنیت یک مفهوم بحث انگیز و غیرقابل تفکیک از فعالیت های گروه نظریه پردازانی است که پیرامون مجله تل کل در سال ۱۹۶۰ توسط فیلیپ سولرس ۲ بنیان نهاده شد. « (همان: ۱۲۶) به عقیده کریستوا، «هر متنی همچون معرقی از نقل قول ها ساخته می شود؛ هر متن جذب و دگرگونی سازی متنی دیگر است « (آلن، ۱۳۸۰: ۶۳) «این تعریف کریستوا که هر متنی برگرفته و تحولی از بسیاری از متون است، در حقیقت، دو اصطلاح متن حاضر و غایب را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود، متن حاضر و متونی که با بسیاری از متون دیگر ارتباط برقرار می کند، متن غایب نام دارد. « (موسی، ۲۰۰۰: ۵۲)

«متن غایب، متن حاضر را روشن می کند و خواننده از طریق آن (متن غایب)، به فهم متن حاضر دست می یابد. از این رو، در نظریه بینامتنی او، متن ادبی از راه دیگر متون ادبی تفسیر می شود. « (همان: ۵۳) بدین ترتیب، مهمترین تقسیم بندی را کریستوا انجام داده که از تعریف فوق می توان آن را بیرون کشید و شامل این اقسام می شود: متن حاضر، متن غایب، عملیات بینامتنی. « (موسی، ۲۰۰۰: ۵۲)

« در بررسی بینامتنیت بامفهوم زایی بسیار بحث برانگیزی مواجه ایم که مستقیماً به «کلام، مکالمه، رمان «کریستوا و جستارهای بهم پیوسته ای که وی در طول این دوره منتشر کرده، مربوط می شود. « (آلن، ۱۳۸۰: ۳۰)

« اما پیش از کریستوا در این باره اقداماتی توسط باختین صورت گرفته بود، به همین جهت برخی از ناقدان بر این عقیده اند که باختین اولین کسی بود که درباره بینامتنیت سخن به میان آورد. اما از آنجا که تلاش های کریستوا برای تلفیق نظریات سوسور و باختین درباره زبان و ادبیات موجد نخستین نظریه بینامتنی در اواخر دهه شصت بوده، وی را مبدع نظریه بینامتنیت می دانند اما نه سوسور نه باختین هیچ یک عملاً اصطلاح بینامتنیت را به کار نبرده اند، از این رو اعتبار ابداع بینامتنیت نصیب جولیا کریستوا شد. « (امین مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۳) «کریستوا که به شدت متأثر از مباحث گفتگومندی و چندصدایی باختین است، به گسترش آن اهتمام می ورزید. به بیان دقیق تر، کریستوا هنگام مطالعه مبحث «کلمه» متوجه بینامتنیت گردید. « (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۳)

«البته پیش از کریستوا صفت بینامتنی وجود داشت و او با استفاده از این صفت، اصطلاح بینامتنیت را وضع کرد. «(همان، ۱۳۹۰: ۱۲۶) «کریستوا هنگام طرح اصطلاح بینامتنی، دریافت که هر متن صرفاً به این دلیل معنا دارد که متکی به متون دیگر، چه نوشتاری و چه گفتاری و نیز متکی به آن چیزی است که کریستوا آن را «دانش بینادهنی» طرفین گفتگو می نامد. منظور از این اصطلاح، کل دانشی است که از کتب دیگر، زبان مورد استفاده، موقعیت و شرایط حاکم بر اعمال معناداری گرفته شده که درک معنا را در گروه ها و اجتماعات گوناگون ممکن می سازد. «(حسینی، ۱۳۸۶: ۵۹)

«در پایان می توان گفت که کریستوا به خاطر ارائه نظریه بینامتنیت شخصیتی بسیار مهم و حتی بنیانگذار است، اما تمایلی برای بسط و گسترش و نیز نظام مند و کاربردی کردن آن از خود نشان نداد. او نظریات پویایی را مطرح می کند سپس بدون اینکه آنها را پرورش و تثبیت نماید، انکارشان می کند یا به آسانی از آنها می گذرد. ابهام در نظریات کریستوا ناشی از این است که از نظر وی همه چیز بینامتنی است و هیچ حد و مرز و چارچوبی برای این بینامتنیت قائل نیست. در واقع بینامتنیت یک امر انتزاعی و ذهنی تلقی می شود و هیچ گاه به صورت ملموس و عینی از سوی وی مطرح نشده و دقیقاً به همین دلیل است که انتقادات بسیاری متوجه وی گردیده است. « (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۷)

۲-۴- انواع بینامتنیت

«یکی از نخستین تقسیمات بینامتنیت، تقسیم آن به دو گونه بزرگ تکوینی و خوانشی بود. بینامتنیت تکوینی به حضور بینامتنیت در خلق و تکوین آثار می پردازد اما بینامتنیت خوانشی، چگونگی و تأثیر بینامتنیت در خوانش و دریافت اثر را مطالعه می کند. بینامتنیت خوانشی که نخستین بار از سوی رولان بارت مطرح شد، می تواند به گرایش های متعددی تقسیم شود. ریفاتر نیز عمده فعالیت خود را بر بینامتنیت خوانشی متمرکز کرده بود. «(نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۳۵۸) «بارت با طرح بینامتنیت خوانشی و - دریافتی، افق نویی را در این حوزه می گشاید چنان که از این پس می توان دو جریان بینامتنی را مشاهده نمود؛ بینامتنیتی که بر تولید متن توجه می کند و بینامتنیتی که بر دریافت و خوانش تأکید می ورزد. «(همان: ۲۰۴)

«ریفاتر نیز در پی مشاهده گوناگون در بینامتن های دریافتی، دو گونه بینامتنیت را از یکدیگر متمایز می کند: بینامتنیت حتمی و بینامتنیت احتمالی. ملاک و میزان حتمی یا احتمالی بودن بینامتنیت، توجه به متن یا فرا متن است. به عبارت دیگر، بینامتنیت هنگامی که در متن قرار گرفته باشد و غیر قابل حذف و انکار باشد، بینامتنیت حتمی یا اجباری محسوب می گردد اما بالعکس، هنگامی که براساس تجربیات شخصی یک فرد و خواننده ایجاد گردد، بینامتنیتی احتمالی و تصادفی تلقی می گردد. «(همان: ۳۹۰) «ژنت، بینامتنیت را به سه دسته بزرگ تقسیم می کند: صریح(اعلام شده) و لفظی، کمتر صریح و غیر صریح (پنهان شده) و باز کمتر صریح (ضمنی)؛ بینامتنیت صریح بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است و بینامتنیت غیر صریح، بیانگر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است اما بینامتنیت ضمنی، نه مانند بینامتنیت صریح مرجع خود را اعلام می کند و نه مانند بینامتنیت غیر صریح، سعی در پنهان کاری دارد. به همین دلیل در این نوع بینامتنیت، عده خاصی یعنی مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول (متنی که مورد استفاده قرار گرفته است) آگاهی دارند، متوجه بینامتن می شوند. مهمترین اشکال این نوع بینامتنیت کنایات، اشارات و تلمیحات است. «(نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹ و ۸۸)

ژنی^۱ نیز در تقسیم بندی بینامتنیت نقش داشت «مهمترین تقسیم بندی ژنی، تقسیم آن به ضعیف و قوی است.» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۳۵) «بینامتنیت هنگامی ابعاد گسترده خود را می یابد که دو متن در جنبه های گوناگون با یکدیگر ارتباط برقرار کرده باشد این مراتب می توانند دست کم به دو دسته صورت و مضمون تقسیم شوند از این رو چنان که ارتباط بینامتنی در دو متن در دو سطح صورت و مضمون انجام گیرد، بینامتنیت قوی است و اگر این روابط در یک سطح، (لایه) متوقف شود، بینامتنیت ضعیف تلقی می گردد.» (همان: ۲۳۷)

«بینامتنیت براساس نوع کاربرد آن در متون به دو دسته تقسیم می شود این شکل از بینامتنیت را محمد عزام از دیدگاه ژرار ژنت بیان کرده است: بینامتنیت آشکار؛ در این نوع، شاعر به شکل واضح و مشخص از متن دیگری در شعرش استفاده می کند. بینامتنیت ناخودآگاه و پنهان؛ نویسنده یا شاعر به شکل غیرآگاهانه و از ضمیر ناخودآگاه خود از متن دیگری استفاده کرده و از اینکه متن دیگری یا جزئی از آن را با خصوصیتی از آن در متن خود جای داده است، ناآگاه است.» (واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۸) «حسین جمعه نیز بینامتنیت را به دو نوع تقسیم کرده است؛ بینامتنیت مستقیم و بینامتنیت غیر مستقیم. بینامتنیت مستقیم شامل سرقت، اقتباس، تضمین، أخذ، استعانت، معارضه و غیره و بینامتنیت غیر مستقیم شامل مجاز، تلمیح، تولید، تلویح، کنایه و رمز است.» (جمعه، ۲۰۰۳: ۱۳۱)

«بینامتنیت مستقیم، گرفتن جزئی از متن یا متون گذشته و قرار دادن آن در متن حاضر و جدید بعد از داشتن مناسبت، آن را در پیوند با جایگاه اتصالی جدید قرار می دهد و این همان بینامتنیت خارجی و شکلی است. اما بینامتنیت غیرمستقیم، آن استخراج از متن و متوسل شدن به بینامتنی افکار یا قوت حافظه تاریخی است تا بوسیله روح و معنای آن، نه با حرف و زبان، بینامتنیت مهیا و برقرار شود. این نوع بینامتنیت از تلمیح و اشاره و رمز فهمیده می شود و این همان بینامتنیت داخلی و مضمونی است.» (عزّه شبل، ۲۰۰۹: ۷۹-۸۰)

«محمد مفتاح تقسیم بندی بینامتنیت را اینگونه عرضه می کند: بینامتنیت ضروری - اختیاری، بینامتنیت داخلی - خارجی، بینامتنیت اعتباطی یا ساختگی و بینامتنیت واجب.» (البادی، ۲۰۰۹: ۲۸) «بینامتنیت ضروری، در همه فرهنگ ها صورت می گیرد و بینامتنیت اختیاری، آنچه که خود شاعر بخواهد بینامتنیت

اعتباطی، بر ذهن خواننده و مخاطب تکیه می کند ولی بینامتنیت واجب، آن است که گیرنده به فرضیاتش روی می آورد. « (همان: ۲۵) او علاوه بر موارد ذکر شده، بینامتنیت مضمونی و شکلی و بینامتنیت مقصدی و ارادی را نیز جز انواع بینامتنیت ذکر کرده است. « همه علاقه مندان به زبان با ملیت ها و دوره های مختلف متفقند که دو نوع اساسی بینامتنیت وجود دارد که عبارتند از، نقیضه، معارضه. دراولی، بسیاری از پژوهشگران تلاش می کنند بینامتنیت را کنار بگذارند و در دومی، در برخی فرهنگ ها کسانی را می یابیم که آن را پایه و اساس بینامتنیت می شمارد. نقیضه، در لغت و اصطلاح، به معنای ضد است. در آن، هر یک از مؤلفان، شیوه های دیگران را اتخاذ می کنند تا در نقطه مشخصی با یکدیگر برخورد کنند. معنای دیگری که ناقدان عرب زبان آن را به معنی اصطلاحی انتقال دادند، نقیضه بود.

اما معارضه «بدان معنی است که اثر ادبی یا هنری که نویسنده چگونه نوشتن «یک معلم» را شبیه سازی کند یا سبک خود را از او تقلید کند یا تمرین سخن کند به کمک او یا آن را به ریشخند بگیرد.» (مفتاح، ۱۹۸۶: ۱۲۱-۱۲۲) همان طور که پیش تر اشاره کردیم، بینامتنیت یا در شکل و زبان است یا در مضمون و معنا. بینامتنیت زبانی شامل بینامتنیت الفاظ و بینامتنیت بلاغی، صرفی - نحوی، بینامتنیت موسیقایی است که در زیر تعاریف هر یک ذکر می شود:

۲-۴-۱- بینامتنیت لفظی

آن یکی از انواع بینامتنی است که در آن الفظی از متن غایب در متن حاضر ذکر می شود و این الفاظ به کار رفته در متن حاضر ممکن است یک کلمه یا بیشتر باشد که آشکارا قابل درک و فهم باشد. « (مختاری، ۱۳۹۲: ۴)

۲-۴-۲- بینامتنیت مضمونی

«یکی دیگر از انواع بینامتنی، بینامتنی مضمونی است که در آن مضمون و درون مایه متن حاضر با متن غایب، یکی است، یعنی متن حاضر دربرگیرنده همان مضمونی است که متن غایب نیز دارای آن است.» (مختاری، ۱۳۹۲: ۹) به نظر محمد مفتاح، « بینامتنیت در شکل و مضمون و هردو است و مضمون خارج شده از شکل نیست زیرا شاعر به تولید متون مکتوب و غیر مکتوب پیش از او و هم زمان با او برمی گردد و از آن

صورت و موقف درامی و تعابیر رمزگونه را برمی‌گزیند اما این تولید برای او ممکن نیست که محقق شود، اگر شکل ادبی مشخصی نگرفته باشد یعنی مضمون خارج از شکل نیست. « (مفتاح، ۱۹۸۶: ۱۲۹)

۲-۴-۳- بینامتنیت بلاغی

از انواع دیگر بینامتنیت، بینامتنیت بلاغی است «در آن شاعر یا نویسنده، به جای توصیف مستقیم به صورت های بلاغی از جمله تشبیه و استعاره و کنایه پناه می‌برد برای مثال زمانی که شاعر ممدوح خود را به طویل النجاد توصیف می‌کند، در واقع از بینامتنیت بلاغی بهره برده است یعنی از راه کنایه که از صور بلاغی است، به توصیف شجاعت ممدوح پرداخته است و مستقیماً نگفته که او شجاع است.» (عزام، ۲۰۰۱: ۴۵)

علاوه بر بینامتنیت های مذکور، بینامتنیت های صرفی و نحوی را نیز می‌توان از انواع بینامتنیت برشمرد. لازم است ابتدا توضیحی درباره ایقاع توازی داده شود سپس به بینامتنیت های صرفی و نحوی پرداخته شود. آن عبارت است از «ایقاعی که برخواسته از فراوانی بالای همسانهای ساختاری در سطح بافت های صرفی و بافت های نحوی یک متن زبانی است که در نهایت به شکل گیری موسیقی کلی آن متن کمک می‌کند.» (گرجامی، ۱۳۹۰: ۳۹) «برابری و تناسب توازی در فن لفظی به شکل مستقیم ما را از اندیشه ای که نزد گوینده از همانندی نحوی ایجاد شده، آگاه می‌سازد. آن ممکن است در انواع مختلفی بررسی شود. اگر میان همانندی ها و اختلافات بر سطوح ترکیبی و صرفی و معجمی و انواع مختلف بر سطح دلالتی و غیره بریده شود، همان شمار پدیده هایی است که تحلیل منظم و ضروری را برای فهم و تأویل آرایش نحوی مختلف در شعر را می‌طلبد و ممکن است مشکلات مهم سخت شود نسبت به زبانی و شعری مانند مشکل توازی که سیطره بر آن پایان یابد، زمانی که به شکل منظم احاطه کنیم.» (یاکبسون، ۱۹۸۸: ۶۷)

«توازی نحوی، به پژوهشگر اجازه می‌دهد که ویژگی های اساسی نحو که تبعیت بر آن استوار است، تعیین شود.» (همان: ۱۱۰)

با توجه به توضیحاتی که داده شد، می‌توان بینامتنیت صرفی و نحوی را این گونه تعریف نمود:

۲-۴-۴- بینامتنیت صرفی - نحوی

اگر ساختار واژگانی یا وزن صرفی افعال در متن حاضر و غایب بدون تغییر یا با تغییر صورت گیرد، بینامتنیت صرفی صورت گرفته است و اگر متن حاضر از توازی بافت نحوی متن غایب تبعیت کند، بینامتنیت نحوی شکل گرفته است.

۲-۴-۵- اما بینامتنیت موسیقایی

«آن، یکی از گونه های بی شمار بینامتنیت می باشد که در آن روابط بینامتنی براساس هم سان های موسیقایی در متون غایب و متون حاضر، تعریف شده است.» (گرجامی، ۱۳۹۳: ۴۷۸)

«در ادب عربی ناقدان موسیقی را به دو نوع موسیقی بیرونی و موسیقی درونی تقسیم کردند. موسیقی بیرونی، همان اوزان عروضی است که فقط در شعر یافت می شود و موسیقی درونی عبارت است از ایقاع حاصل از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر در مجاورت با حروفی دیگر از آنجا که مدار موسیقی درونی بر تکرار می گردد، هرکدام از جلوه های آن در ساختار موسیقی متن نقش بسزائی دارد.» (خلف، ۱۳۹۳: ۶۹)

«از اقسام دیگر بینامتنیت، دو قسم را می توان برشمرد: بینامتنیت کلی، بینامتنیت جزئی. اما بینامتنیت کلی، آن است که متنی، متن دیگر را کاملاً دربرگیرد. دیگر بینامتنیت جزئی، آن مانند بینامتنیت کلی می تواند بیاید ولی با ابزارهای مختلفی چون اشاره، المام و رمز و غیره صورت می گیرد.» (فیصل الأحمد، ۲۰۰۳: ۱۳۳)

یکی دیگر از تقسیم بندی هایی که برای بینامتنیت ذکر شده است، بینامتنیت موضوعی است. «زمانی که کلمه یا عبارتی بیاید که اشاره به داستان یا موضوعی دارد که قبلاً در سایر کتب مطرح شده است، بینامتنیت موضوعی است.» (رسولی، ۱۳۹۰: ۱۹) «بینامتنیت را برحسب موضوعات متن غایب و تعامل آن با متن حاضر به «بینامتنیت ادبی» و «بینامتنیت اسطوره ای» و «بینامتنیت تاریخی» تقسیم کرده اند. دراولی تداخل متون ادبی با متون دیگر را بینامتنیت ادبی می نامند در دومی شاعر بعضی از اساطیر قدیمی را در متن خود به کار می گیرد و در سومی، شاعر بعضی از متون تاریخی را در متن اصلی خود که دارای نوعی مناسبت و انسجام نزد مؤلف است، به کار می گیرد. بنابر این می توان گفت یک اثر ادبی می تواند در داخل خود هم دارای بینامتنیت ادبی و هم دارای بینامتنیت اسطوره ای و هم دارای بینامتنیت تاریخی باشد به این تقسیم

بندی می توان بینامتنیت «فلسفی» و «دینی» و... اضافه کرد. «(واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۸) برخی از ناقدان عرب نیز تقسیم بندی زیر را برای بینامتنیت ذکر کرده اند. «آنها، تناص یا بینامتنیت را به- اشکال مختلف تقسیم کرده اند که به برخی از این تقسیمات اشاره می کنیم:

۱- بینامتنیت خارجی: رابطه ای که میان یک متن و متون دیگر غیر از متن های خود نویسنده است بینامتنیت خارجی نامیده می شود ممکن است این متون از بین رفته یا فراموش شده باشند اما اثرشان همچنان باقی باشد به همین جهت این متون را متن غایب می نامند.

۲- بینامتنیت داخلی: ارتباط بعضی از اجزای مختلف یک متن با متون دیگری که متعلق به خود مؤلف است.

۳- بینامتنیت تکرار و تنغیم: قسمتی از یک متن همانگونه که هست یا با کمی تغییر و اختلاف تکرار شود برخی این نوع از بینامتنیت را بینامتنیت لفظی می نامند.

۴- بینامتنیت طبیعی یا تلقائی: این نوع از بینامتنیت به شکل عادت و از روی عرف که کاربرد آن امری طبیعی است، در متن به کار می رود. «(امین مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۳)

بنابراین، طبق توضیحاتی که داده شد، انواع بینامتنیت از این قبیل می باشند: بینامتنیت تکوینی و خوانشی، حتمی و احتمالی، صریح و غیر صریح و ضمنی، قوی و ضعیف، لفظی و مضمونی، آشکار و پنهان، مستقیم و غیر مستقیم، ضروری و اختیاری، داخلی و خارجی، ساختگی و واجب، مقصدی و ارادی، نقیضه و معارضه، کلی و جزئی و بینامتنیت موضوعی که خود شامل بینامتنیت ادبی، اسطوره ای و تاریخی می شود. با توجه به اینکه مؤلفه های بینامتنیت در رساله الحقوق از لحاظ لفظی، مضمونی، بلاغی و موسیقایی بررسی خواهد شد، لذا در ادامه به توضیح آنها می پردازیم:

بینامتنیت لفظی؛ «که در آن مؤلف به گونه ای از متن غایب استفاده کند که کم ترین تغییر در الفاظ آن ایجاد کند.» (امین مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۵)

بینامتنیت مضمونی؛ «در این نوع از روابط بینامتنی متن حاضر و غایب در محتوا با یکدیگر تعامل دارند.» (رنجبر، ۱۳۹۰: ۷)

بینامتنیت بلاغی؛ «که در آن نویسنده چیزی را اراده می کند و از ذکر آن صرف نظر می کند و صفتی دال بر آن را جایگزین آن می کند.» (عزام، ۲۰۰۱: ۱۲)

بینامتنیت موسیقایی؛ «به هم آوایی واژه های متن حاضر با متن غایب، بینامتنیت موسیقایی گویند.» (میرزائی، ۱۳۹۲: ۳۱۹)

۲-۵-شيوه های بینامتنیت

«محمد بنیس، یکی از نخستین منتقدانی بود که به موضوع بینامتنی در نقد ادبیات عربی پرداخت وی به پیروی از جولیا کریستوا، سه معیار را برای بازآفرینی متن غایب در متن حاضر به کار می برد که از آن به قوانین بینامتنی تعبیر می کند.» (رنجبر، ۱۳۹۲: ۹۴) قانون اجترار یا نفی جزئی، قانون امتصاص یا نفی متوازی، قانون حوار یا نفی کلی. این قوانین سه گانه روابط بین متون را تفسیر می کند که در اینجا به توضیح هر یک از آنها می پردازیم.

۲-۵-۱-نفی جزئی:

مؤلف در آن جزئی از متن پنهان را در متن خود می آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است چنین تعاملی معمولاً از نظر معنای الفاظ موافق متن غایب است.

۲-۵-۲-نفی متوازی

متن پنهان پذیرفته شده بصورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده در واقع مؤلف نوعی سازش میان متن پنهان و متن حاضر پیدا کرده بنا براین، در این شکل از روابط بینامتنی معنای متن غایب در متن حاضر تغییری اساسی نمی کند این بدان معناست که معنای متن حاضر با متن غایب متفاوت نباشد بلکه می تواند با نوعی تغییر و تنوعی همراه باشد.

۲-۵-۳-نفی کلی :

این نوع روابط بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند زیرا مؤلف در این نوع از روابط با متن پنهان باز آفرینی کامل می کند بگونه ای که این بازسازی در خلاف معنای متن پنهان باشد. «(امین مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴)

متن موجود را متن حاضر و متن هایی را که با متن کنونی تعامل دارند، را متن غایب می نامیم. «ناقدان عرب عناوین دیگری را برای تقسیم بندی شیوه های بینامتنیت ذکر کرده اند، که در این تقسیم

family name: Zamani	Name: Monire
Title of Thesis :The study of intertextual elements in imam sajjads resalat- alhoughugh	
Supervisor: Adel Azaddel (Ph.D)	
Advisor: Javad Garjami (Ph.D)	
Graduate Degree M.A.	
Major: Arabic Language & Literature	Specialty: Arabic Language & Literature
University: Mohaghegh Ardabili	Faculty: Literature & Humanities
Graduation date: 19-2-2017	Number of pages: 90
<p>Abstract:</p> <p>Intertextual term that arab scholars consider it the equivalent of the term intertextuality. intertextuality in the sixties of the twentieth century by Julia kristiva and other pioneers of the movement in the west, including roland barths, ryfatr, gerard genette and drrida crystallized. Intertextuality relation to its true meaning connection past and present texts or texts linking the old with the new text-book treatise different quality monitors. book resalat – alhoughugh bill of right that human rights and parents and neighbors and muslim deals. because of its texts such as the quran and nahj al-balaghe influenced before, it is important in the study of intertextual elements. In this thesis topic intertextual element in semantic and linguistic resalat –alhoughugh from two aspects have been analyzed. among the result can be noted these points: the most used and effective resources in imam sajjads resalat –alhoughugh, quran .intertextual relation in a sense, more of kind the method has been partial rejection and in the language of most of resulting verbal intertextual.</p>	
Keywords: imam sajjad - resalat- alhoughugh- intertextuality- oral –meaning- intertextuality- relationship	



university of Mohaghegh Ardabili
Faculty of Literature and Humanities
Department of Foreign Languages

Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of
M.A. in Arabic Language and Literature

Title:

The study of intertextual elements in imam sajjads resalat- alhoogh

Supervisor:

Adel Azaddel

Advisor:

Javad Garjami

By:

Monire Zamani

September 20